

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر
عکس: گروه عکس همشهری، ویرایش عکس: کامیاب نویدی
صفحه خوانی و حرفه‌چینی: همکاران واحد فنی تحریریه

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایدار، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار،
سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۴، نرسیده به پارک وی،
کوچه شهید فریبی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری



چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروز نیون
پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:
۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۴۶۴
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار
معاون ضماضم: پروانه بهرام‌نژاد
دبیر ویژه نامه: زکیه سعیدی
تحریریه: فرزین شیرزادی، سروش جنایی، سمیرا باباجانپور
ثریار و زبانه‌ای، حسن حسن‌زاده، شهره کیانوش‌راد
حمید رضار سولی، بهاره خسروی و فاطمه لیاث

صفحات «روایت تهران» که پیش‌روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران خیابان‌ها و گذرگاه‌ها و واقعه‌های تاثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های یادمانداز خاطرات تهران دیرروز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس ما: ۲۲۰۲۳۴۵۵-۴۶۴، mahaleh@hamshahri.org

بهترین قصه‌های تاریخی تهران
جایزه می‌گیرند

تنورهای رو به خاموشی

شهر فرنگه، از همه رنگه



بلا رفتن میزان چسبندگی آن از ماسه رودخانه‌های اطراف تهران، خاک رس، گرد کاه و پشم بزا استفاده می‌کردند. گل باید یک هفته تا ۱۰ روز به حال خودش رها می‌شد تا حسابی نرم شود. بعد هم آنقدر گل را با دست ورز می‌دادند تا هیچ حبابی داخل آن نباشد. از بین رفتن حباب، فوت آخر کار تنورسازهای قدیمی تهران بوده، چراکه وجود همین حباب‌ها موجب می‌شد تنور بعد از نصب در ناوایی به سرعت شروع به ریزش کند و از بین برود. فرمول قدیمی تهیه گل تنور از ۱۰۰ سال قبل به یادگار مانده بود. تهیه گل خوب و استاندارد نخستین مرحله ساخت تنور بود و در مرحله بعد باید قوس تنور دقیق و استاندارد درمی‌آمد تا گودی داخل آن با قوس ناوای همخوانی داشته باشد. مصطفی امیری می‌گوید: «قدیم‌ها وقتی تنور خشک می‌شد، ۴ نفر از باربرهای قوی همکل بازار آن را بلند می‌کردند تا روی گاری بگذارند و به مقصد برسانند. موقع پایین گذاشتن تنور هم همین تعداد آدم نیاز بود. برخی تنورسازهای قدیمی جابه‌جایی با طناب را ابداع کردند، اما هر تنورساز جاسارت این کار را نداشت، چون ممکن بود تنور بشکند و آسیب ببیند.» حالا زمانه تغییر کرده و تنورهای صنعتی جای تنورهای گلی را گرفته‌اند. کوچه قدیمی و پرخطر سرپولک حالا در محاصره لباس‌فروشی‌ها و فروشگاه‌های مواد پلاستیکی قرار گرفته و تنورسازی هم مثل بسیاری از مشاغل قدیمی دیگر در حال انقراض است.

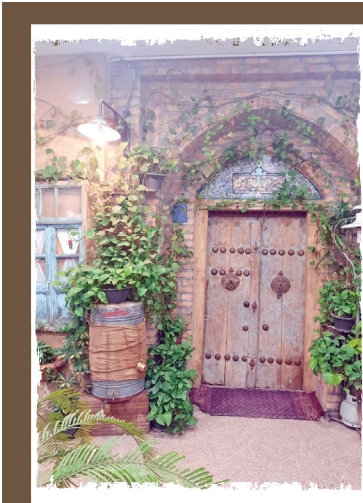
■ شغل: تنورسازی
■ ویژگی: وسیله‌ای برای پخت نان و تأمین قوت غالب

کوچه سرپولک در میانه‌های خیابان ۱۵ خرداد تا چند دهه قبل راسته تنورسازها بود. شاطرهای قدیمی برای تهیه تنورهای گلی به کوچه سرپولک می‌رفتند، اما این کوچه تاریخی آرام‌آرام به خاطرهای در ذهن ناوایهای تهرانی تبدیل شد و حالا هیچ اثری از کارگاه‌های تنورسازی در آن باقی مانده است. از انبوه تنورسازهای قدیم فقط ۲ نفر باقی مانده‌اند که مصطفی امیری یکی از آنهاست و در ۷۰ سالگی کارگاه کوچکی حوالی شهرری دارد. او درباره قدمت و پیشینه شغل تنورسازی در تهران می‌گوید: «پدرم در خاطراتش تعریف می‌کرد که در سال ۱۳۰۳ و بعد از پایان دوران سربازی از اصفهان به تهران می‌آید تا در کوچه سرپولک تنورسازی یاد بگیرد. آنطور که پدرم تعریف می‌کرد، در آن سال‌ها فقط ۵ نفر در تهران تنور ناوایی می‌ساختند و معلوم است که این شغل در حوالی سال ۱۳۰۰ در تهران رواج پیدا کرده است.» تنورسازی یکی از سخت‌ترین مشاغل تهران قدیم بوده و اگر کسی با فوت و فن این کار آشنا نبود، خیلی زود عطایش را به لقایش می‌بخشید و سراغ شغل دیگری می‌رفت. قدیمی‌ترین تنورساز تهران می‌گوید: «تنورسازهای قدیمی برای ساختن تنور مصایب زیادی را پشت‌سر می‌گذاشتند. آنها برای قوام گرفتن گل و

در کوچه‌پس‌کوچه‌ها، خیابان‌ها و میدان‌های شهر می‌گشت و هر جا جمعیتی می‌دید، شهر فرنگ را زمین می‌گذاشت و با گرفتن اجرتی ناچیز، بخشی از عکس‌ها و اگر پول بیشتری می‌دادند، همه عکس‌ها را به مشتریان نشان می‌داد. درون دستگاه، همیشه پرده‌ای جلوی تصاویر کشیده شده بود. شهر فرنگی معمولاً عکس‌های زیبای رنگی با سایه و سفید از شهرهای اروپا، عجایب جهان و نیز حیوانات راز مجله‌های خارجی درمی‌آورد و آنها را به صورت طومار بلندی به هم می‌چسباند و برای نمایش آماده می‌کرد. اغلب تصاویری که نشان داده می‌شد مربوط به کشورهای خارجی بود به همین دلیل اسم آن را شهر فرنگ و صاحبش را شهر فرنگی می‌گفتند. در بیشتر محله‌های تهران، به‌ویژه در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ خورشیدی، کار شهر فرنگی‌ها رونق بسیار داشت. درست است که در آن زمان چندین سینما در تهران مشغول نمایش فیلم بودند، اما همه مردم توان رفتن به سینما را نداشتند و تاگزیر دل به همان شهر فرنگی‌ها خوش می‌کردند تا آنکه سینما و تلویزیون آن‌ها در خانه‌ها زیاد شد و جایز کرد که شهر فرنگی‌ها ادامه‌دادن کارشان را بی‌فایده دیدند، چون دیگر نمایش عکس‌های گوناگون آنها خریداری نداشت.» ابعاد این جعبه به عرض ۳، طول ۵ و ارتفاع ۴ و جب بود و جلوی شهر فرنگ که معمولاً اندکی هلالی بود، یک، یک یا ۳ درپچه فلزی به شکل لوله بخاری، در یک ردیف و به فاصله‌های مساوی، به اندازه ۱۰ سانتی‌متر بیرون زده بود، به طوری که ۲ کودک بتوانند در کنار هم شانه‌به‌شانه جای بگیرند.

■ شغل: شهر فرنگی
■ ویژگی: سرگرمی و تفریح اهالی تهران قدیم

درست از همان زمانی که پای مظفرالدین شاه قاجار به پاریس باز شد، فقرا هم به نوعی توانستند دیدنی‌های فرنگ را ببینند، اما نه سوار بر طیاره یا چارپایان، بلکه با قوطی‌هایی فلزی به اسم «شهر فرنگ». شهر کوچکی که در قوطی استوانه‌ای شکلی ساخته شده بود و می‌شد ندیده‌ها و نشنیده‌های ایران و سایر سرزمین‌های دور و نزدیک را در آن دید. سال ۱۲۷۸ بود که برای نخستین بار مظفرالدین شاه قاجار، جعبه جادویی «شهر فرنگ» را روانه تهران کرد. او در نمایشگاه دستاوردهای سده نوزدهم در شهر پاریس با این وسیله آشنا شد و دستور داد یکی از این جعبه‌های جادویی را برای دربار بخرد و بیاورد. تا مدت‌ها اهل حرم با این جعبه جادویی سرگرم بودند. اردشیر آل‌عوض، محقق فرهنگ عامه، درباره اینکه جعبه جادو باعث به وجود آمدن شغل تازه‌ای در تهران قدیم شد می‌گوید: «چیزی نگذشت که آوازه جعبه شهر فرنگ در تهران پیچید و استادان ایرانی هم نمونه‌هایی از آن را ساختند. مردم نیز دل‌بستگی بسیاری به این سوغات فرنگ نشان دادند. از آن زمان یکی از شغل‌ها و راه‌های به‌دست آوردن درآمدی اندک، گرداندن شهر فرنگ در کوی و برزن بود. صاحب شهر فرنگ «شهر فرنگی» نامیده می‌شد. او دستگاه را همچون کوله‌پشتی به کول می‌گرفت و



آنها چراغ‌ها را روشن می‌کردند؟

انعام بر عهده پادوی مغازه چراغ‌سازی بود؛ کاری که حتی باعث رقابت میان شاگردان قدیمی و جدید می‌شد، با این قاعده که هر کس چراغ بیشتری را روشن می‌کرد از کارفرما دستمزد چرب‌تری دریافت می‌کرد. البته این روشن کردن چراغ‌های زنبوری فقط به چراغ‌زنبوری‌های کاسبان محدود نمی‌شد، چراکه مردم عادی هم در مراسم مختلف شادی، عزاء، ایام محرم و صفر، اعیاد و... همین چراغ‌های زنبوری را کرایه می‌کردند برای چراغانی داخل حیاط و مقابل ورودی و باز همین شاگردها بودند که چراغ‌ها را روشن می‌کردند.» به گفته کاظمی تا پیش از اختراع چراغ‌گازی و مجهز شدن تیرهای چراغ‌برق به سیستم روشنایی، افرادی هم بودند که شب‌ها فانوس یا چراغ‌های دستی را با کمک چوبی بر شانه آویزان می‌کردند و جلوتر از بقیه برای نشان دادن مسیر و روشن نگه‌داشتن خیابان و کوچه در شب حرکت می‌کردند.

■ شغل: چراغ‌روشن‌کن
■ ویژگی: تأمین روشنایی شهر و خانه و ایجاد امنیت

بین همه مشاغل و اصناف متنوع شده تهران، چراغ‌روشن‌کنی یکی از شغل‌های جالب و ظاهراً عجیب بوده است. در واقع اگر کسی قصد وارد شدن به صنعت چراغ‌سازی را داشت باید از مرحله پادویی چراغ‌روشن‌کنی شروع می‌کرد. اما قصه این چراغ روشن کردن و پادویی آن که اغلب پسر بچه‌های کوچک انجامش می‌دادند شنیدنی است. مهرشاد کاظمی، تهران‌پژوه در این باره می‌گوید: «معمولاً کاسبان برای جلب مشتری در زمان تاریک شدن هوا چراغ‌های گازی بلندی را که میان مردم به زنبوری معروف بود روشن می‌کردند. وظیفه روشن‌کردن این چراغ‌ها در قبال دریافت